

یکی از مفاهیمی که دستخوش تحریف شده مفهوم عرفان است، بویژه زمانی که برخی، عرفان را به مفهوم گوشه‌گیری از جامعه و نشستن در کنج عزلت و بی‌توجهی به مسئولیت‌ها و سرنوشت ملت می‌دانستند، در حالی که طاغوتیان و ظالمان، زمام امور را در دست داشتند.

حضرت امام خمینی (ره)، پیشوای عرفان، به منظور اصلاح مفهوم عرفان و ارائه معنای درست آن، در مناسبت‌های بسیاری سخن گفته‌اند. ایشان در یکی از آنها فرمودند:

«عده زیادی گمان می‌کنند عرفان، یعنی این که انسان در جایی بنشیند و ذکر یگوید و سماعی انجام دهد. آیا مفهوم عرفان این است؟! امیرالمؤمنین (ع) از عارف‌ترین بندگان خدا بود؛ اما با این وجود گوشه‌گیری نکرد و هیچ‌گاه حلقه ذکر نداشت. می‌دانیم که پیامبر اکرم (ص) سال‌های طولانی در حالت سیر و سلوک قرار داشتند و زمانی هم که فرصت ایجاد شد، برای اجرای عدالت، حکومت سیاسی برپا کردند.» امام (ره)، در مناسبت‌ها و سخنرانی‌ها و تألیفاتشان، آن نوع عرفانی را که گوشه‌گیری و انزوا و بی‌توجهی به اجرای احکام الهی را توصیه می‌کند، برگرفته از اسلام آمریکایی دانسته و آن را مرتبط با اسلام ناب محمدی (ص) محسوب نمی‌کردند.

امام خمینی (ره) همواره بر پیوند عمیق و محکم میان عرفان و جهاد و شهادت تأکید می‌ورزیدند و جهاد و شهادت را از نتایج عرفان واقعی می‌دانستند. مگر نه این که «جهاد»، دری از درهای بهشت است و خداوند آن را به روی بندگان خاص خود می‌گشاید؟ همین اولیای خدا هستند که این در را می‌گشایند و از جهاد به درجه رفیع شهادت می‌رسند و از نعمت بزرگ لقای پروردگار و جوار او بهره‌مند می‌شوند.

تصور ما باید بر این اساس باشد که نیروی عرفان، بتواند انسان را به مجاهدی بزرگ تبدیل کند، او را به سوی مسئولیت‌پذیری و فداکاری‌های بزرگ سوق دهد و قدرت رویارویی با دشمن را در وی ایجاد کند، هر چند دست خالی و بی‌سلاح باشد. عرفان واقعی، باید بتواند

پیرامون عرفان امام خمینی (ره)

جهاد عارفانه

سید حسن نصرالله



ظالم و عوام فریبی کاهنان معابد و راهزنان طریق و صلواتی... را به وجود آورد؛ و عرفان حضرت محمد - صلی... علیه و آله - اراده آن حضرت را تقویت کرد تا در برابر جاهلیت خوقناک و تبهکاران و طاغوتیان به پا خیزد و در مقابل اذیت و آزار آنان، صبر و تحمل پیشه کند. از میان نمونه‌های دوران معاصر نیز امام خمینی (ره) یکی از کسانی بودند که عده کثیری از شهدا و مبارزان راه خدا را مثال روشنی از عرفان واقعی برشمردند. امام (ره) بر تأثیر متقابل میان عرفان و جهاد تأکید

می‌فرمایند: برخی از جوانان سیزده تا بیست ساله توانستند به مقام و درجاتی نزد خداوند برسند که بسیاری از اهل سیر و سلوک در طول دهها سال به آن مرحله نرسیدند.

ما باید همواره بر این برداشت صحیح از مفهوم عرفان تأکید نماییم: جوانان، تشنه معنویات هستند و باید آنان را به راه درست - که به هدف منتهی می‌شود - راهنمایی کنیم؛ زیرا شاهد بوده‌ایم که برداشت و درک نادرست از عرفان، بسیاری از جوانان فعال و فداکار را به انزوا و گوشه‌گیری کشانده و با تضعیف نیروی آنان، موجب قرار گرفتن آنها در کنج فراموشی شده است. در نتیجه، آنها از تلاش در راه خدمت به امت اسلام

و بشریت به دور مانده‌اند و این واقع، سدی بر سر راه نزدیکی به خدا و مانعی در مسیر رسیدن به پروردگار است.

نکته دیگر آنکه حضرت امام (ره) بر اهمیت تهذیب نفس، تأکید فراوان داشتند و آن را تنها راه‌هایی از علت اصلی مفاسد و انحرافات؛ یعنی «حب نفس» و «خودپرستی» دانسته‌اند.

عرفان، به تنهایی نمی‌تواند موجب نجات انسان شود، بلکه حتی این حالت - با وجودی که از حالات والا و شریف محسوب می‌شود - اگر با تزکیه و تهذیب نفس همراه نشود، ممکن است انسان را به جهنم ببرد. حضرت امام (ره) در یکی از سخنران خود خطاب به مسئولان جمهوری اسلامی فرمودند:

«مهم‌ترین مرض، حسب نفس است. خودخواهی منشأ هر فساد است و داروی برطرف کننده این مرض، نابود ساختن این خصیصه شیطنی است.»

ایشان در ادامه می‌فرمایند:

«باید این خصلت را از بین برد. انسان باید نفس خود را ریاضت دهد و از خودپرستی پرهیز کند. می‌باید یکی از شما بگوید «من عالم هستم»، «من مقدس هستم»، «من زاهد هستم» یا «من عارف هستم». هر کدام از این علوم، حتی اگر علم اعلا یا عرفان هم باشد، اگر با این خصیصه شیطنی همراه شود، حجاب است. علم، حجاب اکبر است. اگر انسان خودتواضع خود را تهذیب کند، تهذیب نفس با علم ممکن نیست.»

... کی این هلیکوپترهای
آقای کارتر را که
می‌خواستند به ایران
بیایند ساقط کرد؟
ما ساقط کردیم؟
شنها ساقط کردند
شنها مأمور خدا بودند
یاد مأمور خداست
قوم عاد را یاد از بین برد
این یاد مأمور خداست
این شنها همه مأمورند.
تجره به بکنند باز.
لکن ما نباید مغرور
بشویم